

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین یوم وېر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید "غزل" غنی زاده

ویرجینیا - ۲۹ جولای ۲۰۱۶

تنظیم و ویرایش: پورتال

اسیر

عنکبوت غم در زوایای حصار دلم تار می تند و پای اندیشه هایم را در افسانه زمانه های
کهن، اسیر می سازد.

بی پناه

مهربانیهایش شفافترین دریائی بود، که جزیره تنم را در پناهِش داشت. آن گاه که دریا
خشکید، در دوردستِ خود، بی پناه ماندم.

ابدیتِ غصه ها

برگهای طلایی را پایمال مکن، که صدای شرشر جسم به هم کوبیده اش، بار دیگر ملال
تلخ مرا دامن نزنند. بگذار با نوازشهای نسیم به برج آرامش بروند!!!
برگها دوباره سبز و سبزتر برمی گردند و اما قلب من خاکستر است؛ برگها
دوباره بهار می آورند و اما روح من در زادگاهش با ابدیتِ سرد غصه ها می پیوندد.

بهار دیدار

سالهای بس دراز در فصل هجران زیستم و یاد ترا لای برگهای پائیز دفن کردم، سرانجام
بهار دیدار گلگونه گشت.

(ناهید "غزل" غنی زاده)